

ارزیابی ویژگی‌هایی روانسنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا

Evaluation of psychometric properties of Arjmandnia Parenting Methods Scale

Ali Akbar Arjmandnia,

Esmaeel Safaee &

Samaneh Maleki

University of Tehran

علی اکبر ارجمندنیا،*

اسماعیل صفایی و

سمانه ملکی

دانشگاه تهران

چکیده: هر خانواده روش‌های ویژه‌ای را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد که به این روش‌ها شیوه‌های فرزندپروری گفته می‌شود. این شیوه‌ها الگوهایی از پرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آنها به رفتار فرزندان شکل می‌گیرد. برای ارزیابی این شیوه‌ها ابزارها و مقیاس‌های مختلفی طراحی شده است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) در نمونه‌ای از خانواده‌های دارای فرزند کم‌توان ذهنی انجام شد. این پژوهش کاربردی از منظر روش‌شناختی در دسته پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه والدین دارای فرزند کم‌توان ذهنی ساکن شهر تهران بودند که از بین آنها ۳۰۰ نفر با مراجعه به مدارس آموزشی و مراکز نگهداری کودکان کم‌توان ذهنی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) و مقیاس سبک فرزندپروری بامریند (BPS) گردآوری شد. داده‌های گردآوری شده تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های مربوط به تحلیل عاملی اکتشافی نشان از روایی سازه مدل ۵ عاملی مقیاس داشت و شاخص‌های همسانی درونی (آلفای کرونباخ و تتای ترتیبی) و همچنین نتایج روش دونیمه کردن و بازآزمایی، حکایت از پایایی مطلوب این مقیاس و مؤلفه‌های آن داشت. یافته‌ها تأیید می‌کنند مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) دارای ویژگی‌های روانسنجی مطلوبی است و به‌طور کلی می‌تواند در جامعه ایرانی مورد استفاده قرار گیرد. *واژه‌های کلیدی:* ویژگی روانسنجی، پایایی، روایی، شیوه فرزندپروری، کم‌توان ذهنی

Abstract: Families apply their own parenting methods for individual and social training of their children. These methods include models of child rearing that are shaped by interaction between behavior of parents and their reactions to children's behaviors. For assessing these methods, different kinds of scales and instruments have been proposed. The aim of this study was to investigate psychometric properties of Arjmandnia Parenting Methods Scale (APMS) on families who have children with intellectual disabilities. This research was a cross-correlational research. The population of this study included all parents who have children with intellectual disability in Tehran. Arjmandnia Parenting Methods Scale (APMS) and the Baumrind Parenting Styles (BPS) were administrated to 300 parents who were selected according to availability sampling method. The results of exploratory factor analysis revealed the validity of the five factors of the scale as indicators of internal consistency (Cronbach's Alpha and Theta respectively) and also the split half method indicated favorable credit for the scale and its components. The results show that the APMS has appropriate characteristics and totally can be used in the Iranian sample.

Keywords: psychometric property, reliability, validity, parenting style, intellectual disability

مقدمه

خانواده، منبع اصلی مراقبت و حمایت است و اولین و مهم‌ترین نظام ارتباطی برای کودکان به شمار می‌رود و البته همه اعضای خانواده در سلامت روانی نقش دارند (ویدمر، کمپ، سایپین و گالی-کارمیناتی، ۲۰۱۳). والدین در تعیین محیط اجتماعی و فیزیکی کودکان به‌طور مستقیم نقش ایفا می‌کنند و به‌واسطه فرآیند اجتماعی‌شدن^۱ و مدل‌سازی^۲، رفتارها و نگرش‌های کودکانشان را به صورت مستقیم و غیرمستقیم هدایت می‌کنند (ریتچ، ولک، اشتاین، گرسستین و کرافورد، ۲۰۰۵). بنابراین والدین به عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در تحول روانی و اجتماعی کودکان برعهده دارند (گروولنیک، ۲۰۰۹). تجربه روابط ایمن و پایدار با والدین و پرورش در فضایی آرام و منظم لازمه بهزیستی روانی^۳ و جامعه‌پذیری^۴ کودک است (واندلر، پرز و اسکوبی، ۲۰۰۷). پژوهش‌های متمرکز بر عوامل والدینی، عموماً فرزندپروری را هم در پرتو سبک‌های فرزندپروری عمومی و هم رفتارهای خاص والدینی مفهوم‌سازی نموده‌اند اما بیشتر پژوهش‌های این حوزه بر اساس سازه‌های فرزندپروری معرفی شده توسط بامریند انجام شده است (اقبال، موسوی و حکیم، ۱۳۹۵).

مطالعات متعددی از فرزندپروری، به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در بروز یا تداوم مشکلات رفتاری کودکان یاد کرده‌اند (پاردینی، فایت و بارک، ۲۰۰۸؛ تلگان و سندرز، ۲۰۱۲؛ دیاز، ۲۰۰۵؛ شودلیچ و کامینگز، ۲۰۰۷؛ کاپانگ، هولمبک و پیکاف، ۲۰۰۶؛ کرتز-اسمیت، کالپ، کالپ، شیب، اون و همکاران، ۲۰۰۶؛ گلدشتاین، هاروی و فریدمن-وینث، ۲۰۰۷؛ میلر-لوییز، باگورس، سایر، پریور، کلارک و همکاران، ۲۰۰۶).

تحول اجتماعی^۵ یکی از ابعاد تحول انسان است که سبک فرزندپروری والدین بر آن بسیار مؤثر است و یکی از شاخص‌های تحول اجتماعی کودکان (که تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری قرار می‌گیرد)، رفتارهای سازشی است (گروکس، ۲۰۰۱). اصطلاح رفتار سازشی به توانایی‌های کارکردی از قبیل خود مراقبتی^۶، قابلیت اجتماعی^۷ و خود مدیریت^۸ که برای استقلال در زندگی روزمره ضروری هستند اشاره دارد (وستوود، ۲۰۰۹). کودکان کم‌توان ذهنی^۹ از جمله کودکانی هستند که در رفتار سازشی ضعف عمده‌ای دارند؛ به‌گونه‌ای که

سبک فرزندپروری بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهمی برای تحول و یادگیری کودکان (هالستین، گرانیک، استولمیلر و اسنایدر، ۲۰۰۴) و نوجوانان (آروسویلا و سوباسری، ۲۰۱۶) محسوب می‌شود. پرداختن به شیوه‌های فرزندپروری به‌طور ویژه توسط بامریند صورت گرفت که برای دهه‌ها مطالعاتی را برای تدوین چارچوب مفهومی آن به انجام رساند (هابس تایت، دیکن، سیگمن گرت، جهنس و موبلی، ۲۰۱۳).

در زمینه سبک‌های فرزندپروری نظریات متعددی ارائه شده است که یکی از مهم‌ترین آنها نظریه بامریند (۱۹۷۱) است. بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش نه‌چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد. این سه ویژگی عبارتند از: (۱) پذیرش و روابط نزدیک

5. authoritative
6. authoritarian
7. permissive
8. social development
9. self-care
10. social competence
11. self-management
12. intellectual disability

1. socialization
2. modeling
3. mental well being
4. socialization

تحقیقات گوناگون حاکی از این است که والدین کودکان کم‌توان ذهنی بیشتر از سبک‌های فرزندپروری استبدادی یا سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند (همتی علمدارلو، ۱۳۹۳). بدین‌صورت که برخی اوقات بدون توجه به محدودیت کودک کم‌توان ذهنی برای او سخت‌گیری می‌کنند و از شیوه مستبدانه استفاده می‌نمایند (براون، مک‌لنتیر، کرنیک، بیکر و بلچر، ۲۰۱۱؛ بیلن، ۲۰۱۲؛ رسکم و شلس‌تریت، ۲۰۰۷؛ گائو، چیو، سونگ و لی، ۲۰۰۸) و گاهی نیز به دلیل غفلت از شرایط و محدودیت‌های کودک یا به دلیل تحلیل‌رفتن انرژی و انگیزه‌های آنها، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه را در پیش می‌گیرند (زینا و بنویت، ۱۹۹۵). در همین راستا گائو و همکاران در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که والدین کودکان پیش‌دبستانی با نشانگان داون به طور معناداری بیشتر از والدین کودکان عادی از سبک فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کنند و به طور افراطی مراقب فرزندشان هستند و از آنها حمایت می‌کنند (گائو و همکاران، ۲۰۰۸).

مقایسه‌های میان‌فرهنگی نشان می‌دهد که تمامی جنبه‌های فرزندپروری اعم از شناخت‌ها (بورنستین و چیه، ۲۰۰۶؛ تالویست و آتونن، ۲۰۰۷) و رفتارها، تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ بوده است (بورنستین و چیه، ۲۰۰۶). گفته می‌شود که رفتار فرزندپروری عمیقاً تحت تأثیر فرهنگ است. فرهنگ مشخص می‌کند که چه محدودیت‌هایی باید در نظر گرفته شود (غفور و کروکان، ۲۰۱۴). از این رو در بسیاری از کشورها تلاش می‌شود که یا به بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه‌های فرزندپروری معتبر و معروف متناسب با فرهنگ بومی خود پرداخته شود و یا اقدام به طراحی پرسشنامه‌های مناسب در جامعه خود شود. به‌عنوان مثال در ترکیه، اوندرو و گولای (۲۰۰۹) به بررسی روایی و پایایی پرسشنامه فرزندپروری رابینسون، مندلوکو، السن و همکاران^۳ (۱۹۹۵) پرداختند و در نهایت نسخه‌ای مناسب از این مقیاس آماده کردند.

در زمینه سنجش شیوه‌های فرزندپروری در هفده سال گذشته تحقیقات بسیار زیادی انجام شده است. در زمینه فرزندپروری در ایران پژوهش‌های متعددی انجام شده است که اغلب این پژوهش‌ها با استفاده از ابزارها و پرسشنامه‌هایی انجام

انجمن کم‌توان ذهنی آمریکا^۱ (۲۰۱۰) دو ویژگی برجسته کم‌توانی ذهنی را محدودیت قابل ملاحظه در کارکرد شناختی و رفتارهای سازشی می‌داند. کم‌توانی ذهنی در ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی در گروه اختلال‌های عصبی-تحولی^۲ قرار دارد. کم‌توانی ذهنی اختلالی است که در طی دوره تحول شروع می‌شود و در برگیرنده نارسایی در کنش‌وری سازشی و هوشی فرد در حوزه‌های عملی، اجتماعی و مفهومی است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). در رفتارهای سازشی این افراد طی دوره تحول، تأخیر و نارسایی دیده می‌شود (گرلا، لئوناردو و پائولا، ۲۰۱۰) و ضعف عمده در رفتار سازشی، بر زندگی روزمره آنان تأثیر می‌گذارد و توانایی پاسخ‌دهی آنان به یک موقعیت خاص یا محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد (انجمن کم‌توانی ذهنی آمریکا، ۲۰۱۰). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند با تغییر سبک فرزندپروری والدین می‌توان رفتار سازشی کودکان را بهبود بخشید (زارعی، ۱۳۸۹؛ مداحی، لیاقت، صمدزاده و مرادی، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش قطب‌زاده و شاکری‌نیا (۱۳۹۴) حاکی از این امر بود که سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی است؛ درحالی‌که سبک فرزندپروری مستبدانه پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بود.

زمانی که کودکی مبتلا به کم‌توانی ذهنی تشخیص داده می‌شود، تجربه فرزندپروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و انتظارات والدین در مورد کودک و آینده او را تغییر می‌دهد. می‌توان گفت سبک‌های فرزندپروری والدین دارای کودکان کم‌توان ذهنی به دلیل ناتوانی کودکانشان با سبک‌های فرزندپروری والدین دارای کودکان عادی متفاوت است (بستورم، ۲۰۱۲). والدین در تعامل با کودکان دارای کم‌توان ذهنی واکنش‌های متفاوتی را بروز می‌دهند (تروت و هیبرت-مورفی، ۲۰۰۲). در واقع تجربه والدین از ناتوانی کودکانشان، حساسیت والدگری و رفتار مراقبتی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (زینا و بنویت، ۱۹۹۵)، برخی از آنها به شیوه‌های افراطی از کودک با کم‌توانی ذهنی خود حمایت می‌کنند و برخی از آنها کودک را رها کرده و سعی می‌کنند کودکان را پنهان نمایند (دسجاردین، ۲۰۰۳). در تأیید این امر نتایج

3. Robinson, C., Mandlco, B., & Olsen, S.

1. American Association on Mental Retardation
2. neuro-developmental

(۱۳۵۸) ضریب پایایی^۴ آزمون را برابر با ۰/۸۷ به دست آورده است.

در پژوهش دیگری امیرسرداری، اسماعیلی و خادمی (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی کفایت شاخص‌های روانسنجی پرسشنامه فرزندپروری یانگ^۵ (YPI) پرداختند. در این تحقیق تحلیل مولفه‌های اصلی از طریق چرخش واریماکس^۶ براساس ۱۷ عامل به این صورت نتیجه‌گیری شد که پرسشنامه مادر از ۷۲ پرسش به ۲۸ پرسش کاهش یافت و در پرسشنامه پدر ۷۲ پرسش به ۳۰ پرسش کاهش پیدا کرد. نتایج حاصله با نسخه انگلیسی پرسشنامه فرزندپروری یانگ تقریباً هماهنگ بوده و تنها در چند زیرمقیاس نیاز به اصلاح است که عبارت‌اند از: (برای مادران) بی‌اعتمادی/ بد رفتاری سوالات ۱۰ و ۱۱ و در عامل اطاعت سوال ۳۲ و در عامل ایثارگری کل سوالات، عامل استحقاق/ بزرگ منشی کل سوالات، عامل خویش‌داری/ خودانضباطی ناکافی کل سوالات، عامل گرفتار کل سوالات باید حذف یا جایگزین شود و (برای پدران) عامل ره‌اشدگی/ بی‌ثباتی سوال ۷، در عامل ایثارگری کل سوالات، در عامل منفی‌گرایی/ بدبینی کل سوالات، عامل بازداری هیجانی سوال ۶ باید حذف یا جایگزین شود.

جولایی‌ها، زارع و موسوی (۱۳۹۶) نیز به بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه فراوالدگری پرداختند. نتایج تحلیل عوامل وجود ۴ عامل در گویه‌ها را تأیید نمود که ۳۸/۶۳٪ از واریانس کل مقیاس را تبیین نمود. آزمون KMO^۷ برابر با ۰/۸۸ و در سطح مطلوب بود و آزمون کرویت بارتلت^۸ از نظر آماری معنادار بود. تحلیل عامل تأییدی، نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی را تأیید کرد و مدل به دست آمده با داده‌های پژوهش برازش داشت.

کودکی اولیه^۹ در زندگی هر فردی زمان بسیار حساس و مهمی است، اما این دوره برای کودکان با کم‌توانی ذهنی بسیار پراهمیت‌تر است؛ زیرا در صورت عدم مداخله به‌نگام در این دوره، دو رخداد هم‌زمان پیشرفت و عمیق‌تر شدن نیازهای ویژه و ایجاد محدودیت‌ها از یک سو و کاهش و از دست دادن فرصت‌ها از سوی دیگر برای کودکان با کم‌توانی ذهنی اتفاق

گرفته که در فرهنگ‌هایی غیر از ایران ساخته شده است. برای نمونه می‌توان به پژوهش دبیری، دلاور، صرامی و همکاران (۱۳۹۱) و بشارت، عزیزی و پورشریفی (۱۳۹۰) اشاره کرد که به منظور بررسی سبک فرزندپروری والدین از پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ)^۱ بوری (۱۹۹۱) استفاده کردند که به صورت مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده و به طور نظری بر سنخ‌شناسی سبک فرزندپروری بامریند مبتنی است (بوری، ۱۹۹۱). این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است، که ۱۰ سؤال مربوط به سبک فرزندپروری مقتدرانه، ۱۰ سؤال مربوط به سبک مستبدانه و ۱۰ سؤال نیز مربوط به سبک سهل‌گیرانه است. بوری (۱۹۹۱) ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک مقتدرانه مادر (۰/۷۸)، برای سبک مقتدرانه پدر (۰/۹۲)، برای سبک مستبدانه مادر (۰/۸۶)، برای سبک مستبدانه پدر (۰/۸۵)، برای سبک سهل‌گیرانه مادر (۰/۸۱) و برای سبک سهل‌گیرانه پدر (۰/۷۷) به دست آورده است. در مطالعه امیری نژاد، قریشی راد و جوانمرد (۱۳۹۰)، و در پژوهش علیدوستی، دهقانی، بابایی حیدرآبادی و همکاران (۲۰۱۶) جهت بررسی سبک فرزندپروری از پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند استفاده شد که در قسمت روش مطالعه حاضر، به ویژگی‌های آن اشاره شده است. بنابراین عمده مطالعات صورت‌گرفته در حیطه فرزندپروری، با استفاده از ابزارهایی انجام شده که مبتنی بر فرهنگ ایران نبوده و عمدتاً در کشورهای غربی ساخته شده است و با توجه به اینکه در این ابزارها لیستی از پیش‌تعیین‌شده به‌منظور پاسخگویی ارائه می‌شود، مادران فرهنگ‌های مختلف ممکن است تفسیرهای متفاوتی از هریک از مواد لیست مذکور داشته باشند. از جمله پرسشنامه‌های دیگر فرزندپروری موجود در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: پرسشنامه سبک فرزندپروری توسط رایبسون، مندکو، السن و همکاران در سال ۱۹۵۵ ساخته شد و توسط علیزاده به فارسی ترجمه شده است (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۲) و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری (محیط خانوادگی)^۲ توسط نقاشیان (۱۳۵۸) بر مبنای کارهای شيفر^۳ (۱۹۶۵) تهیه شده است. نقاشیان

4. reliability

5. Yung Parenting Inventory (YPI)

6. varimax rotation

7. Kaisel – Mager – olking Measure of Sampling Adequacy

8. Bartlett

9. early childhood

1. Parental Authority Questionnaire (PAQ)

2. family climate

3. Schafer, A.

نگهداری کودکان کم‌توان ذهنی، هماهنگی لازم با مدیران مدارس و مراکز و معلمان مربوطه انجام گرفت. پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) و سبک فرزندپروری بامریند (BPS)^۴، به‌همراه دستورالعمل کتبی نحوه تکمیل کردن آنها، در اختیار والدین قرار گرفت. برای محاسبه پایایی از آلفای کرونباخ^۵ و شاخص تتای ترتیبی^۶، روش تنصیف^۷ و روش آزمون-باز آزمون، و برای تعیین روایی از تحلیل عاملی اکتشافی^۸ و همچنین روایی همگرا با پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند، استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا). یکی از ابزارهای این پژوهش مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) است که توسط ارجمندنیا در سال ۱۳۹۳، براساس مطالعات مختلف در زمینه پرسشنامه‌های فرزندپروری موجود و بر اساس منابع معتبر بومی و نیز با توجه به تجارب بالینی، در ۲۸ گویه و در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت تنظیم شده و برای هر گویه چهار گزینه همیشه، اغلب اوقات، گاهی و هیچ وقت در نظر گرفته شده است. روایی محتوایی^۹ این پرسشنامه توسط چندین تن از صاحب‌نظران به تأیید رسیده است (فیروزی، ۱۳۹۳).

مقیاس سبک‌های فرزند پروری بامریند (BPS). ابزار دیگر پژوهش، مقیاس سبک‌های فرزند پروری بامریند است، که از این ابزار به‌منظور بررسی روایی همگرا^{۱۰} استفاده شده است. این پرسشنامه که در سال ۱۹۷۱ توسط بامریند طراحی شد، شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه مقتدرانه مربوط می‌شود. الگوی پاسخگویی به سوال‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند که به صورت کاملاً موافقم، موافقم، مطمئن نیستم، تقریباً مخالفم و مخالفم است. نمره‌گذاری سوالات پرسشنامه بامریند نیز بر مبنای مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد که با جمع نمرات سوالات

می‌افتد و به تدریج موجب تحلیل توانایی فرد و تحمیل بیشتر ناتوانی به او می‌شود (اصغری نکاح، ۱۳۸۶). بنابراین در صورت عدم مطالعه شیوه‌های فرزندپروری این والدین و طراحی برنامه‌های مداخله‌ای بهنگام و مناسب برای آنان، ممکن است والدین با سبک‌های فرزندپروری منفی هم فرصت طلایی آموزش و یادگیری کودکان با کم‌توانی ذهنی را از دست بدهند و هم باعث ایجاد عادات و رفتارهای نامطلوبی در این کودکان شوند که حل و فصل آنها دشوار و گاه غیر ممکن باشد. به جرأت می‌توان گفت یکی از مهمترین نکات در هر پژوهشی استفاده از ابزار مناسب است. با ابزار دارای پایایی و روایی^۱ مناسب و همچنین متناسب از نظر فرهنگی است که می‌توان نتایج معتبر به‌دست آورد که این نیز می‌تواند زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های بهتر در حیطه موردنظر شود. با توجه به نبود ابزاری بومی و متناسب با فرهنگ ایران در زمینه شیوه‌های فرزندپروری و به‌طور خاص برای والدین دارای کودک کم‌توان ذهنی، هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روانسنجی^۲ پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) در میان خانواده‌های دارای کودک کم‌توان ذهنی است. از جنبه توسعه‌ای نیز وجود چنین ابزاری می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های جدیدی در حوزه تعاملات والد-فرزند در حیطه کودکان کم‌توان ذهنی شود. بر این اساس، این تحقیق برای پاسخ به سوالات زیر اجرا شد: آیا مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) از روایی سازه برخوردار است؟ آیا مقیاس شفا از روایی ملاکی برخوردار است؟ آیا مقیاس شفا از پایایی مناسب برخوردار است؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی است. از بین والدین دارای کودک کم‌توان ذهنی شهر تهران با مراجعه به مدارس آموزشی و مراکز نگهداری کودکان کم‌توان ذهنی، ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس^۳ انتخاب شدند. پس از دریافت مجوز با مراجعه به مدارس و مراکز

4. Baumirand Parenting Style (BPS)
5. Cronbach alpha
6. ordinal theta
7. split half
8. exploratory factor analysis
9. content validity
10. convergent validity

1. validity
2. psychometric
3. available sampling

می‌شود و می‌تواند دلیل دیگری بر پایایی مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) باشد. در پژوهش حاضر با توجه به سختی نمونه‌گیری تنها ۳۵ نفر (به شرط داوطلب بودن برای پاسخ دادن دوباره به آزمون پس از ۳ هفته) برای این روش انتخاب شدند. ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات حاصل از دو بار اجرای آزمون فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) بر روی نمونه‌ای ۳۵ نفری انتخاب شده از نمونه اولیه ۰/۶۱ و جهت همبستگی مثبت است. این مقدار همبستگی قابل قبول و مطلوب تفسیر می‌شود و می‌تواند دلیل دیگری بر پایایی مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) باشد.

در پژوهش حاضر به بررسی روایی سازه^۳ آزمون با استفاده از روش تحلیل عاملی پرداخته شد؛ نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریمکس گزارش می‌شود. همچنین مقدار KMO داده‌ها برابر است با ۰/۸۹، که بیانگر کفایت نمونه‌برداری است. مقادیر بالای ۰/۶ این شاخص، کفایت نمونه را برای به کار بردن تحلیل عاملی نشان می‌دهد. همچنین آزمون بارتلت ۳۵۴۳/۶۶۱ با درجه آزادی ۳۷۸ و در سطح ۰/۰۰۱ نیز همبستگی بالای بین متغیرها (غیر واحد بودن ماتریس همبستگی) را نشان می‌دهد و نتیجه گرفته می‌شود ماتریس مشاهده شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای همبسته است. نتیجه هر دو شاخص حاکی از مناسب بودن انجام تحلیل عاملی برای داده‌های پژوهش است.

استفاده از ملاک کتل (نمودار اسکری^۴) حاکی از این امر بود که مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) از ۵ عامل اشباع شده است. نتیجه تحلیل موازی داده‌ها نشان می‌دهد که مناسب‌ترین تعداد عامل برای استخراج، ۴ عامل است. در نهایت از ملاک کیسر^۵ برای تصمیم‌گیری قطعی استفاده شد. تعداد عامل‌های استخراجی بر اساس ملاک کیسر ۵ است؛ به عبارت دیگر ۵ عامل، ارزش ویژه بالاتر از یک دارند و می‌توانند به عنوان یک عامل یا مؤلفه استخراج شوند. عامل اول پس از چرخش با ارزش ویژه ۴/۲۸ حدود ۱۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، عامل دوم با ارزش ویژه ۳/۵۰ حدود ۱۲/۵۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، عامل سوم، چهارم و

مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می‌آید. پایایی پرسشنامه مزبور با استفاده از روش بازآزمایی^۱ در بین گروه مادران، به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه مستبدانه و ۰/۷۸ برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۵ برای شیوه مستبدانه و ۰/۸۸ برای شیوه مقتدرانه گزارش شده است (بوری، ۱۹۹۱). روایی محتوایی آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تایید قرار گرفت و ابزار مناسبی است (بیرامی و بهادری خسروشاهی، ۱۳۸۹). همچنین پایایی این ابزار در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد که حکایت از پایایی مناسب این ابزار داشت.

یافته‌ها

عینی‌ترین راه برای تعیین هماهنگی سوال‌های آزمون استفاده از ضریب آلفای کرونباخ است. میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه ۲۸ سوالی شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) در این پژوهش ۰/۹۰ به دست آمده است. با توجه به اینکه میزان آلفا از ۰/۰۰ تا ۱ است و هرچه عدد به دست آمده به ۱ نزدیکتر باشد، نشان‌دهنده پایایی بالاتر مقیاس است، این عدد بیانگر این موضوع است که پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار بوده و نشان می‌دهد که سوالات پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) از هماهنگی درونی رضایت‌بخشی برخوردار است. در ادامه از شاخص تتای ترتیبی نیز با استفاده از سینتکس^۱ نویسی در نرم‌افزار R برای بررسی پایایی استفاده شد. میزان تتای ترتیبی محاسبه شده برای پرسشنامه حاضر ۰/۹۲ به دست آمده است. این شاخص در کنار شاخص آلفای کرونباخ، حاکی از پایایی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) است.

برای محاسبه پایایی از روش تنصیف استفاده شد. در این روش سوالات زوج، یک خرده‌آزمون و سوالات فرد نیز یک خرده‌آزمون دیگر در نظر گرفته شدند. همبستگی بین دو خرده‌آزمون ۱۴ سوالی فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) با ضریب پیرسون بررسی شد. نتیجه تحلیل نشان داد که ضریب همبستگی برابر با ۰/۷۶ بود. این ضریب در سطح ۰/۰۰۱ معنا دار است. این مقدار، همبستگی قابل قبول و مطلوب تفسیر

3. construct validity
4. scree cattle
5. kaiser

1. test-retest
2. syntax

پنجم نیز با ارزش‌های ویژه ۲/۹۹، ۲/۵۲ و ۲/۳۹ به ترتیب همچنین این ۵ عامل روی هم‌رفته ۵۶/۱۰٪ از واریانس کل حدوداً ۱۰، ۹ و ۸ درصد از واریانس کل سازه را تبیین می‌کنند. مقیاس فرزندپروری ارجمندنی (شفا) را تبیین می‌کنند.

جدول ۱

شاخص‌های آماری اولیه و پس از چرخش با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی برای مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنی (شفا)

مجموع مجذور بارهای عاملی چرخش یافته		
کل	درصد واریانس	درصد تراکمی
۴/۲۸۶	۱۵/۳۰۸	۱۵/۳۰۸
۳/۵۰۴	۱۲/۵۱۶	۲۷/۸۲۴
۲/۹۹۴	۱۰/۶۹۲	۳۸/۵۱۶
۲/۵۲۷	۹/۰۲۴	۴۷/۵۴۰
۲/۳۹۷	۸/۵۶۲	۵۶/۱۰۲

با توجه به توافق این ملاک با نمودار اسکری کتل، ۵ عامل به‌عنوان تعداد عامل‌هایی که مقیاس فرزندپروری ارجمندنی (شفا) از آن اشباع شده است، انتخاب شدند. سپس میزان اشتراکات استخراج شده برای هر سوال مورد بررسی قرار گرفت. به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد که بیشتر مقادیر مرتبط با اشتراکات سوالات با کل آزمون در راستای تحلیل مولفه‌های اصلی بالاتر از ۰/۳۰ قرار دارند که نشان از اشتراکات قابل قبول بین تک تک مولفه‌ها با کل آزمون و مناسب بودن آن جهت تحلیل عاملی است. مرحله بعدی مشخص کردن روش چرخش است.

جدول ۲

میزان اشتراک هر کدام از سوال‌ها با کل پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنی (شفا)

سوال	اولیه	استخراج شده	سوال	اولیه	استخراج
۱	۱	۰/۵۲۸	۱۵	۱	۰/۵۵۲
۲	۱	۰/۳۹۲	۱۶	۱	۰/۸۴۳
۳	۱	۰/۵۸۶	۱۷	۱	۰/۸۴۶
۴	۱	۰/۶۴۵	۱۸	۱	۰/۴۱۹
۵	۱	۰/۶۳۶	۱۹	۱	۰/۳۸۰
۶	۱	۰/۶۰۳	۲۰	۱	۰/۵۶۳
۷	۱	۰/۷۶۷	۲۱	۱	۰/۶۴۶
۸	۱	۰/۴۹۵	۲۲	۱	۰/۲۸۵
۹	۱	۰/۶۱۸	۲۳	۱	۰/۶۷۳
۱۰	۱	۰/۴۷۹	۲۴	۱	۰/۶۸۹
۱۱	۱	۰/۶۰۳	۲۵	۱	۰/۵۱۴
۱۲	۱	۰/۴۶۷	۲۶	۱	۰/۴۳۵
۱۳	۱	۰/۳۶۷	۲۷	۱	۰/۴۱۳
۱۴	۱	۰/۵۷۴	۲۸	۱	۰/۶۹۲

می‌توان از اشتراک تجربی متغیرهایی که بر عامل معینی جدول ۳ شاخص‌های عاملی را پس از ۲۵ بار چرخش بار می‌شوند، به استنتاج اشتراک مفهومی نائل آمد و هر عاملی واریماکس نشان می‌دهد. که بار عاملی کمتر از ۰/۳۰ داشته باشد از مجموعه حذف شود.

جدول ۳

ماتریس الگوی عاملی (پس از چرخش) مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا)

سوال	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم
۴	۰/۷۹۸				
۵	۰/۷۷۷				
۳	۰/۷۱۰				
۱	۰/۶۲۸				
۶	۰/۶۲۱				
۲۷	۰/۵۹۴				
۱۹	۰/۵۴۸				
۲	۰/۴۹۹				
۲۸	۰/۴۵۰				
۷		۰/۸۵۷			
۸		۰/۸۲۲			
۱۲		۰/۷۱۵			
۹		۰/۶۰۹			
۱۳		۰/۵۶۱			
۲۳		۰/۴۴۳			
۱۰			۰/۷۳۷		
۱۶			۰/۶۶۷		
۱۱			۰/۵۷۹		
۱۵			۰/۵۱۵		
۲۰			۰/۵۱۱		
۱۴			۰/۴۱۶		
۲۵				۰/۷۷۶	
۲۲				۰/۷۳۰	
۲۴				۰/۷۰۹	
۲۶				۰/۵۱۷	
۱۸					۰/۹۰۷
۱۷					۰/۸۹۴
۲۱					۰/۷۴۹

تمامی ۵ عامل از پایایی و همسانی درونی برخوردارند.

جدول ۴ سوالات مربوط به هر یک از چهار عامل، نام‌گذاری عامل‌ها و ضریب آلفای کرونباخ مربوط را نشان می‌دهد.

جدول ۴

سوال‌های مربوط به هر زیرمقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا)

ردیف	سوالات هر عامل	تعداد سوال	نام عامل	آلفای کرونباخ
۱	۲۸-۲-۱۹-۲۷-۶-۱-۳-۵-۴	۹	فرزندپروری دموکراتیک	۰/۸۶
۲	۲۳-۱۳-۹-۱۲-۸-۷	۶	همکاری با همسر در فرزندپروری	۰/۸۱
۳	۲۰-۱۵-۱۱-۱۶-۱۴-۱۰	۶	نقش فامیل (پدربزرگ مادربزرگ)	۰/۷۶
۴	۲۶-۲۴-۲۲-۲۵	۴	فرزندپروری مقتدرانه	۰/۷۹
۵	۲۱-۱۷-۱۸	۳	وابستگی به والدین	۰/۸۳

روی هم رفته ۵۶٪ از واریانس متغیر را تبیین می‌کند. به روش تحلیل مولفه‌های اصلی و با استفاده از چرخش متعامد واریماکس ماتریس الگوی عاملی ترسیم شد. سپس مجدداً ضریب آلفای کرونباخ این بار برای زیرمقیاس‌ها محاسبه شد که نشان دهنده پایایی بسیار خوب هر کدام از ۵ عامل بود. عامل‌ها با توجه به سوالات هر عامل، نام‌گذاری شدند. بنابراین، بر اساس یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت که مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا)، در نمونه پژوهش حاضر دارای روایی مناسب است. بدین معنا که سوالات این مقیاس همان چیزی را اندازه می‌گیرند که برای آن طراحی شده‌اند. امیرسرداری و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود برای بررسی کفایت شاخص‌های روانسنجی پرسشنامه فرزندپروری یانگ (YPI) از تحلیل مولفه‌های اصلی از طریق چرخش واریماکس استفاده کردند و ۱۷ عامل را در تحلیل به‌دست آوردند. نکته قابل ذکر در مورد تحقیق مذکور، استفاده از پرسشنامه غیربومی است.

در رابطه با بررسی روایی ملاکی مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) از روایی همگرا استفاده شد. طبق یافته‌ها همبستگی نمره مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) و سبک‌های فرزندپروری بامریند ۰/۵۲ است که دلیلی بر روایی ابزار می‌باشد و می‌توان گفت که این مقیاس، از پایایی و روایی مطلوبی در نمونه پژوهش حاضر برخوردار است و می‌توان از آن به‌عنوان یک ابزار توسعه‌یافته جدید در نمونه‌های مشابه استفاده کرد. یافته‌های این بخش از پژوهش تاکید می‌کنند که مقیاس حاضر دارای روایی همزمان بوده است؛ به‌عبارت دیگر مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) همگرا با مقیاس سبک‌های فرزندپروری بامریند است.

به‌منظور بررسی روایی همگرا، افراد گروه نمونه به پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند نیز پاسخ دادند. ضریب همبستگی بین نمرات کل دو پرسشنامه محاسبه شد و ضریب به‌دست آمده برابر با ۰/۵۲ بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. هر دو پرسشنامه ابزارهایی برای سنجش شیوه‌های فرزندپروری هستند و از آنجایی که بین نمرات دو ابزار، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد می‌توان آن را دلیلی بر روایی مقیاس فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) دانست.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) در نمونه‌ای از خانواده‌های دارای فرزند کم‌توان ذهنی صورت گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان داد که ابزار مذکور از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است. اولین و دومین سوال پژوهش حاضر این بود که آیا مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیا (شفا) از روایی سازه و ملاکی برخوردار است؟ برای بررسی این سوال از تحلیل عاملی اکتشافی و روایی ملاکی استفاده شد.

به‌منظور شناسایی و تعیین عامل‌هایی که زیربنای عملکرد در زیرمقیاس‌ها را تشکیل می‌دهند، از رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. گیلفورد و فروچتر (۱۹۷۸) اظهار می‌دارند که از طریق همبسته نمودن عملکرد افراد در سوال‌ها با نمره کل، می‌توان اطلاعاتی در زمینه روایی سازه به‌دست آورد. برای مشخص کردن تعداد عامل‌های استخراجی از روش اسکری کتل، تحلیل موازی و نیز ملاک کیسر استفاده شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش ۵ عامل از مجموع ۲۸ سوال استخراج شد که این ۵ عامل ارزش ویژه بالاتر از یک دارند و

نداشت و اکثر افراد فارس بودند. همچنین، نمونه در دسترس برای اجرای آزمون انتخاب شد؛ لذا در پژوهش‌های بعدی باید این محدودیت‌ها لحاظ شود و مطالعات بیشتری بر روی نمونه‌هایی از شهرهای مختلف ایران صورت گیرد. استفاده از نمونه‌های بزرگتر و ناهمگون‌تر در پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود. به عبارتی پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، شهرهای مختلف ایران لحاظ و این پرسشنامه در جوامع و اقوام و فرهنگ‌های گوناگون هنجاریابی شود. بررسی میزان اهمیت هر یک از زیرمقیاس‌ها نیز ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، توصیه می‌شود در کارگاه‌های روانشناختی و مراکز مشاوره به ابعاد گوناگون فرزندپروری توجه بیشتری شود تا در این زمینه شیوه‌های آموزش کارآمدتری تنظیم شود. توصیه می‌شود با توجه به ویژگی‌های روانسنجی مناسب این مقیاس در تحقیقات آینده مورد استفاده قرار گیرد. همچنین بررسی دقیق‌تر روایی این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی نیز توصیه می‌شود.

سوال بعدی تحقیق حاضر مربوط به پایایی مقیاس است. برای بررسی پایایی از شاخص‌های همسانی درونی (آلفای کرونباخ و تنای ترتیبی) و همچنین نتایج روش دو نیمه‌کردن و بازآزمایی استفاده شد. همه ضرایب معنادار بود. این نتایج در کنار دقتی که در تمامی مراحل قبل از طراحی و انتخاب گویه‌ها تا دقت در اجرا شکل گرفته بود، بیانگر پایایی مطلوب این ابزار است. پایایی نسخه فارسی مقیاس سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۱) در نمونه ایرانی نیز حدود ۰/۸ گزارش شده است (بیرامی و بهادری خسروشاهی، ۱۳۸۹)؛ لذا از جهاتی می‌توان این پژوهش را همسو دانست، اما وجه تمایز اصلی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری ارجمندنیبا (شفا)، توجه به بافت فرهنگ ایرانی در طراحی گویه‌هاست. برای مثال در این مقیاس به نقش پدربزرگ و مادربزرگ‌ها نیز در الگوهای ارتباطی بین والدین و فرزندان پرداخته شده است که تحقیقات و ابزارهای خارجی (که بالطبع وابسته به فرهنگ هستند) تا به حال توجهی به این موضوع نداشته‌اند.

از محدودیت‌های این پژوهش، استفاده از یک نمونه‌ی ۳۵ نفری برای بازآزمایی بود و اینکه نمونه از نظر قومیتی پراکنش

منابع

بشارت، م.، هوشمند، س. ن.، رضازاده، م. ر.، و لواسانی، م. غ. (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان. *روانشناسی خانواده*، ۲، ۲۸-۱۵. بیرامی، م.، و بهادری خسروشاهی، م. (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی. *فصلنامه علوم تربیتی*، ۳، ۲۱-۷. جولایی‌ها، س.، زارع، ح.، و موسوی، س. (۱۳۹۶). بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه فراوالدگری، پژوهان، ۱۶، ۴۸-۴۲.

دبیری، س.، دلاور، ع.، صرامی، غ.، و فلسفی نژاد، م. ر. (۱۳۹۱). تدوین مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت نفس و شادکامی: الگوی تحلیل مسیر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴۲، ۵۱-۸.

زارعی، ا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ۱۸، ۲۲۴-۲۲۰.

اصغری نکاح، س. م. (۱۳۸۶). ضرورت و جایگاه مداخله زودهنگام و آموزش پیش‌دبستانی برای کودکان دارای نیازهای ویژه، نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، ۷۴، ۱۱-۳. اقبالی، م.، موسوی، و.، و حکیمیا، ف. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های فرزندپروری مادران. *روانشناسی خانواده*، ۳، ۲۶-۲.

امیرسرداری، ل.، اسماعیلی، ا.، و خادمی، ع. (۱۳۹۵). کفایت شاخص‌های روانسنجی پرسشنامه فرزندپروری یانگ (YPI). *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۷، ۱۰-۱.

امیری نژاد، ع.، قریشی‌راد، ع.، و جوانمرد، غ. (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های فرزندپروری و سلامت روان والدین افراد اقدام‌کننده به خودکشی با والدین افراد عادی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱، ۳۳۰-۳۱۵.

بشارت، م.، عزیزی، ک.، و پورشریفی، ح. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷، ۱۶۰-۱۴۵.

- مداحی، م. ا.، لیاقت، ر.، صمدزاده، م.، و مرادی، ا. (۱۳۹۰). بررسی تعامل رفتار سازشی و شیوه‌های فرزندپروری. *مجله روانشناسی سلامت*، ۱، ۶۲-۴۳.
- نقاشیان، ذ. (۱۳۵۸). *رابطه محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- همتی علمدارلو، ق. (۱۳۹۳). مقایسه سبک فرزندپروری مادران کودکان پیش‌دبستانی با و بدون کم توانی ذهنی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۲، ۱۳۲-۱۲۲.
- فیروزی، ز. (۱۳۹۳). *بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس کیش دانشگاه تهران.
- قطب‌زاده اسرار، ف.، و شاکری‌نیا، ا. (۱۳۹۴). *رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی*. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۲، ۴۹-۵۸.

References

- Alidoosti, M., Dehghani, S. L., Babaei Heidarabadi, A., & Tavassoli, E. (2016). Comparison of parenting style in single child and multiple children families. *Iranian Journal of Health Sciences*, 4, 49-54.
- Alizadeh, H., & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child & Family Behavior Therapy*, 24, 37-52.
- American Association on Mental Retardation. (2010). *Mental retardation: Definition, classification, and systems of support (11th Ed.)*. Washington, DC: Author.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5th Ed)*. Washington, DC: Author.
- Arusubila, M., & Subasree, R. (2016), Parenting styles influencing personality development of catering students, *International Journal of Indian Psychology*, 4, 20-35.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4, 27-42.
- Billen, R. M. (2012). *Families of young children with developmental disabilities: A model of the parenting process*. [MsC Thesis]. Knoxville, Tennessee, Knoxville, United States: University of Tennessee.
- Bornstein, M. H., & Cheah, C. S. L. (2006). The place of culture and parenting in the ecological contextual perspective on developmental science. In K. H. Rubin & O. B. Chung (Eds.), *Parenting beliefs, behaviors and parent-child relations: A cross cultural perspective* (pp. 3-33). New York: Psychology Press.
- Bostrom, P. (2012). *Experiences of parenthood and the child with an intellectual disability* [PhD Thesis]. Gothenburg, Sweden: Department of psychology, university of Gothenburg, Sweden.
- Brown, M. A., McIntyre, L. L., Crnic, K. A., Baker, B. L., & Blacher, J. (2011). Preschool children with and without developmental delay: Risk, parenting, and child demandingness. *Journal of Mental Health Research in Intellectual Disabilities*, 4, 206-226.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Christian, D. L. (2001). *The effects of parenting styles on the development of adaptive competencies and the reduction in problem behaviors among children with and without visual impairments and blindness. A crisis: A test of the family distress model*. phd thesis, Florida State University, Florida.
- Curtner-Smith, M. E., Culp, A. M., Culp, R., Scheib, C., Owen, K., Tilley, A., & et al. (2006). Mothers' parenting and young economically disadvantaged children's relational and overt bullying. *Journal of Child and Family Studies*, 15, 177-189.
- Desjardin, J. L. (2003). Assessing parental perceptions of self-efficacy and involvement in families of young children with hearing Loss. *Volta Review*, 10, 391-409.
- Diaz, Y. (2005). *Associations between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children*. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland.
- Gafur, A., & Kurukkan, A. (2014). Construction and validation of scale of Parenting Style. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences*, 2, 315-323.
- Gau, S. S. F., Chiu, Y. N., Soong, W. T., & Lee, M. B. (2008). Parental characteristics, parenting style, and behavioral problems among Chinese children with Down syndrome, their siblings and controls in Taiwan. *Journal of the Formosan Medical Association*, 107, 693-703.
- Geroux, A. M. (2001). *The relationship between children's adaptive social behavior and*

- maternal use of social support and maternal parenting behavior among single mothers living in poverty and coping with a crisis: A test of the family distress model.* PhD Thesis, University of Florida, Florida.
- Goldstein, L. H., Harvey, E. A., & Friedman-Weieneth, J. L. (2007). Examining subtypes of behavior problems among 3-year-old children, part III: Investigating differences in parenting practices and parenting stress. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 35, 125-136.
- Gorla, J. I., Leonardo, T. C., & Paulo, F. A. (2010). Performance of balance beam task of KTK by people with intellectual disability. *J Artigo*, 4, 11-101.
- Grolnick, W. S. (2009). The role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. *School Field*, 7, 164-173.
- Guilford, J. P., & Fruchter, B. (1978). *Fundamental statistics in psychology and education (6th Ed.)*. New York: McGraw-Hill.
- Hollenstein, T., Granic, I., Stoolmiller, M., & Snyder, J. (2004). Rigidity in parent-child interactions and the development of externalizing and internalizing behavior in early childhood. *Journal of abnormal child psychology*, 32, 595-607.
- Hubbs-Tait, L., Dicken, K. L., Sigman-Grant, M., Jahns, L., & Mobley, A. R. (2013). Relation of parenting styles, feeding styles and feeding practices to child overweight and obesity, direct and moderated effects. *Appetite*, 71, 126-136.
- Kapungu, C. T., Holmbeck, G. N., & Paikoff, R. L. (2006). Longitudinal association between parenting practices and early sexual risk behaviors among urban African American adolescents: The moderating role of gender. *Journal of Youth and Adolescence*, 35, 783-794.
- Miller-Lewis, L. R., Baghurst, P. A., Sawyer, M. G., Prior, M. R., Clark, J. J., Arney, F. M., & et al. (2006). Early childhood externalizing behaviour problems: Child, parenting, and family-related predictors over time. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 34, 886-901.
- Önder, A., & Gülay, H. (2009). Reliability and validity of parenting styles & dimensions questionnaire. *Procedia Social and Behavioral Sciences I*, 508-514.
- Pardini, D. A., Fite, P. J., & Burke, J. D. (2008). Bidirectional associations between parenting practices and conduct problems in boys from childhood to adolescence: The moderating effect of age and African-American ethnicity. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 36, 647-662.
- Ritchie, L. D., Welk, G., Styne, D., Gerstein, D. E., & Crawford, P. B. (2005). Family environment and pediatric overweight: what is a parent to do? *Journal of the American Dietetic Association*, 105, 70-79.
- Roskam, I., & Schelstraete, M. A. (2007). A qualitative analysis of mothers' childrearing behavior towards their disabled child. *Research in Developmental Disabilities*, 28, 130-144.
- Schudlich, T. D. D. R., & Cummings, E. M. (2007). Parental dysphoria and children's adjustment: Marital conflict styles, children's emotional security, and parenting as mediators of risk. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 35, 627-639.
- Tellegen, C. L., & Sanders, M. R. (2012). Using primary care parenting interventions to improve outcomes in children with developmental disabilities: A case report. *Hindawi Publishing Corporation, Case Reports in Pediatrics*, 5, 225-230.
- Trute, B., & Hiebert-Murphy, D. (2002). Family adjustment to childhood developmental disability: A measure of parent appraisal of family impacts. *Journal of Pediatric Psychology*, 27, 271-280.
- Tulviste, T., & Ahtonen, M. (2007). Child-rearing values of Estonian and Finnish mothers and fathers. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 38, 137-155.
- Vandeleur, C. L., Perrez, M., & Schoebi, D. (2007). Associations between measures of emotion and familial dynamics in normative families with adolescents. *Swiss Journal of Psychology/Schweizerische Zeitschrift für Psychologie/Revue Suisse de Psychologie*, 66, 5-16.
- Westwood, P. (2009). *What teachers need to know about students with disabilities?* Camber well, Vic: ACER Press.
- Widmer, E. D., Kempf, N., Sapin, M., & Galli-Carminati, G. (2013). Family beyond parents? An exploration of family configurations and psychological adjustment in young adults with intellectual disabilities. *Research in Developmental Disabilities*, 34, 207-217.
- Zeanah, C. H., & Benoit, D. (1995). Clinical applications of a parent perception interview in infant mental health. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America*, 4, 539-554.